



## فهرست

- ۷ یادداشت گردآورنده
- ۹ اتوبیوگرافی نازنین نظام شهیدی
- ۱۱ متن سخنرانی نازنین نظام شهیدی، دانشگاه لندن
- ۱۷ گزیده اشعار
- ۵۷ چند شعر چاپ نشده شاعر
- ۶۵ اندوه یادها، شعرهایی به یاد نازنین نظام شهیدی
- ۹۷ یادداشت‌ها و نقدها
- ۹۹ بانوی سکوت
- ۱۰۳ پیش‌گفتار
- ۱۰۵ سوت پایان بازی
- ۱۱۶ دیدار با «جهان نو»!
- ۱۲۱ بررسی جهان شعری نازنین نظام شهیدی
- ۱۳۳ نقد مجموعه شعر
- ۱۴۳ زنی با لباس سفید بلند، روی آبی دریا

## یادداشت گردآورنده

باور کنید یا نه، هنوز مرگش را باور نکرده‌ام. رفتنش برایم دردآور است. او شاعری بود که نزدیک به دو دهه، به‌طور جدی به شعر و شاعری پرداخت. شاعری خوب و جدی بود که همواره از سوی مخاطبان، منتقدان و شاعران، تأیید و تشویق می‌شد و شعرش بر هم‌نسلان خودش تأثیرگذار بود. به‌گفته منتقدان و شاعرانی مثل عنایت سمیعی، محمود معتقدی و... جزو بهترین شاعران معاصر و یکی از شاخص‌های شعر دهه هفتاد بود.

در شعرش بر تنهایی و شناخت و تردید به جهان پیرامونش، تأکید خاصی داشت. شاعری دغدغه‌مند، متعهد به انسان، معرفت‌طلب و عدالت‌خواه بود، که این مفاهیم در شعرش پرورانده شده است و دیده می‌شود.

به عنوان شاعر و منتقدی که حدود بیست سال از شعرهایش لذت برده‌ام و در آن‌ها مکاشفه داشته‌ام، بر خود واجب دیدم که پس از رفتنش، کاری بکنم؛ ادای دینی به او که دوستی دوست‌داشتنی و شاعری صادق بود.

این کتاب، یادنامه این شاعر خوب معاصر است که گردآوری و تدوین آن با من بوده است، و اصل کار بر عهده کسانی که مطالب و شعرها را نوشته‌اند.

بی‌دریغ و بدون تعارفات روزمره از رضا تقوی (همسر نازنین)، که صبورانه

بدعهدی‌هایم را تحمل کرد و برخی از مطالب و عکس‌های نازنین را در اختیارم گذاشت، تشکر می‌کنم؛ که بی‌لطف و مساعدت او این کتاب شکل نمی‌گرفت. و سپاس ویژه از همه شاعران و منتقدانی که آثارشان در این یادنامه است.

آبان ۱۳۸۴؛ تهران

رضا قنبری

مقدمه

این کتاب مجموعه‌ای از اشعار و مقالات است که در طول سال‌ها در اختیارم گذاشتند. تشکر می‌کنم از همه کسانی که با لطف و مساعدت خود این کتاب را به شکل فعلی درآوردند. و سپاس ویژه از همه شاعران و منتقدانی که آثارشان در این یادنامه است.

این کتاب مجموعه‌ای از اشعار و مقالات است که در طول سال‌ها در اختیارم گذاشتند. تشکر می‌کنم از همه کسانی که با لطف و مساعدت خود این کتاب را به شکل فعلی درآوردند. و سپاس ویژه از همه شاعران و منتقدانی که آثارشان در این یادنامه است.

اتوبیوگرافی نازنین نظام‌شهیدی

متولد ارومیه‌ام - اول اسفند ۱۳۳۳ - با شناسنامه‌ای صادره از تهران. اما بیش‌تر سال‌ها را در خراسان گذرانده‌ام؛ زادگاه زبان دری. تصور می‌کنم من از تبار آن قوم آواره باشم که جهان را، سراسر، موطن خود می‌بیند و هر زمان لونی دیگر می‌گیرد. اعقابم شریف‌زادگانی تنگدست بودند که به سودای رفاه و امنیت در اصفهان سکنا گزیدند و به برکت هوشیاری و تلاش، ثروتی گرد آوردند و در دگردیسی زمان، با هیئت و هیبتی دیگر، روانه خراسان شدند. نیای جلیلیم شاعر و عارفی بلندآوازه بود و مورد تکریم خاص و عام. و فرزندانش نیز، هر یک در مرتبه خویش، قله‌هایی از ادب فارسی را به تسخیر آوردند یا خود یکسره، مسخر آن شدند.

مادرم، که خود شاعره‌ای لطیف‌طبع و ظریف‌گو بود، تمام عاطفه مادری را به کار گرفت تا سرانجامی خوش بیابم و، چون او، سودایی اقالیم شعر نشوم. دوست‌تر داشت پیشه اجدادی پیشه کنم و رمز و راز اوزان بازار را دریابم. اما نمی‌دانم کدام ژن شوریده درونم من را به این سمت و سو درغلتاند.

شیفته روان‌شناسی، زبان‌شناسی، اسطوره و عاشق فیزیک و ریاضیات

هستم. اما سر از زبان و ادبیات عرب درآوردم و تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران آن را دنبال کردم. مدت زمانی گویندگی کردم و مدتی هم تدریس ادبیات عرب مشغله‌ام شد.

... تا چشم باز کردم اولین مجموعه شعرم (ماه را دوباره روشن کن، ۱۳۶۹) از چاپ درآمده بود. تا خواستم از این گناه ناخواسته توبه کنم کتاب دومم (بر سه‌شنبه برف می‌بارد، ۱۳۷۲) بر بساط کتاب‌فروشان خودنمایی کرد و کتاب سوم (اما من معاصر بادها هستم، ۱۳۷۷)، به همین.

پاره‌ای از شعرهایم به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و هلندی ترجمه شده و به مناسبت‌هایی در مجلات یا ویژه‌نامه‌های آن دیار به چاپ رسیده است.

... حال سال‌هاست که شعر درد بی‌درمانم شده است. می‌دانم خلاصی ندارم و می‌دانم دیگر توش و توانی هم برای مقابله و معارضه نمانده است. پس یکسره تسلیمم؛ تسلیم شعر و وادی‌های تودرتوی اسرارآمیزش. من بنده شعر شده‌ام.

متن سخنرانی نازنین نظام‌شهبیدی

دانشگاه لندن، ۲۰۰۱ میلادی